

داخلی و خارجی جذابیت زیادی دارد. از همان ایام توریست‌ها و مسافرها از کشورهای دور و نزدیک به دنبال «هزارستان» تا این کوچه می‌آیند. شاید به خاطر اینکه یک چیز بین آدم‌ها فطری است: «صمیمت» و همه به دنبال این عبارت و حس آن هستند و موضوعی که متأسفانه بعضی‌ها نمی‌خواهند آن را بفهمند.»

تخریبی قدیمی بودم و مصالحی که از آن‌ها می‌شد برای این فضا استفاده کرد. بعضی از این مصالح نظیر ستون‌ها و آجرها را از بافت اطراف حرم که در حال تخریب بودند، استفاده می‌کردیم و برخی را هم با سفر به شهرستان‌ها جفت و جور می‌کردیم. مثلاً برای همین کف‌پوش به گناباد رفتیم و سفارش دادیم و صاحب کارخانه متعجب از این نوع سفارش شده بود. البته همسر در طراحی فضا به من کمک کرد و بخشی از نقاشی‌ها اثر دست و ذوق اوست. حوض خانه در سال ۷۵ و با حضور مسئولان شهری افتتاح شد و مورد استقبال قرار گرفت.»



ثبت میراث شده است

به سفارش قومورلو یک لیوان خنک از عرق بیدمشک روی میز قرار می‌گیرد و او دوباره روی این موضوع تأکید می‌کند که هدف از ایجاد چنین فضای سنتی‌ای ارائه و شناساندن فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی به گردشگران داخلی، خارجی و زائران حرم رضوی است. دفتر یادبود قطوری را که پر از دست‌خط‌ها و زبان‌های مختلف است، می‌گشاید. هرکس با زبان و حال خود در وصف «هزارستان» مشهود چیزی نوشته است. از بازیگران سینما و تلویزیون گرفته تا نمایندگان مجلس و اساتید دانشگاه، توریست‌های آسیایی و آمریکایی و اروپایی و هرکس مشهد، مقصد سفرش بوده است. یکی در این میان سفارش دیزی می‌دهد و بوی آبگوشت و نعنای دوغ تازه با صدای بلبل و تصنیفی که در حال پخش است، آدم را به وجد می‌آورد. صاحب «هزارستان» می‌گوید: «این مجموعه چندسال گذشته ثبت میراث فرهنگی شده است، اما هنوز هم مخالفت‌ها برای نوع و شیوه پذیرایی ادامه دارد و من دوست دارم روزی به همان شیوه ایرانی‌ها از میهمان پذیرایی کنیم. اینکه هر چه هست را بی‌ریا و باصمیمیت روی سفره و پیش میهمان بگذاریم.»



«هزارستان» نام دیگر بلبل است

«عنوان «هزارستان» را که نام دیگر بلبل است بر آن گذاشتیم. بلبل در ادبیات ما جایگاه ویژه‌ای دارد و برای او جفتی نیست و عمر خیلی کوتاهی دارد که در پای گل تمام می‌شود. علاقه بلبل به گل به قدری زیاد است که آن قدر در پای آن می‌خواند و سینه‌اش را به خارهای آن می‌زند که همان جا می‌میرد و به همین خاطر می‌گویند بلبل منحصر به فرد و خاص است و مرگ باشکوهی دارد.»

اوایل به همان شیوه‌ای که می‌خواستیم از میهمان پذیرایی می‌کردیم. معمولاً چیزی از آن‌ها نمی‌پرسیدیم و شربت و شیرینی و چیزهایی که داشتیم برای آن‌ها می‌آوردیم و همه هم راضی بودند؛ اما ایرادها و مانع تراشی‌ها از همان زمان شروع شد؛ اینکه شیوه میهمان‌داری با اصول سازگار نیست و باید نرخ‌نامه داشته باشیم و ما مجبور به تغییر شیوه‌نامه شدیم. وصف این حوض خانه دهان به دهان می‌چرخید. خیلی از هنرمندان با پای خودشان به اینجا آمدند و می‌خواستند برای آن کاری انجام دهند. نقاشی‌های روی دیوار الهام گرفته شده از شاه‌نامه و حاصل هنر و ذوق فردیناست و اشعار خطاطی شده هم ذوق استاد دانشجو، هنرمند سبزواری.

برخی‌ها هم اشیاء و آثار قدیمی را که داشتند، هدیه می‌کردند. علاقه هنرمندان به این مجموعه آن قدر زیاد بود که برخی‌ها آثار هنری‌شان را تقدیم کردند؛ مثل تندیس‌هایی که بعد از فوت استاد فردینا توسط خانواده‌اش به این مجموعه اهدا شد؛ آثاری که برای بازدیدکنندگان



این مجموعه
چندسال گذشته
ثبت میراث
فرهنگی شده
است، اما هنوز
هم مخالفت‌ها
برای نوع و شیوه
پذیرایی ادامه
دارد و من دوست
دارم روزی به
همان شیوه ایرانی‌ها
از میهمان پذیرایی
کنیم. اینکه هر چه
هست را بی‌ریا و
باصمیمیت روی
سفره و پیش
میهمان بگذاریم